



مدرسه علمیه حضرت زینب (س)
شهرستان امیدیه - تابستان ۱۴۰۰

حضرت امام خامنه‌ای: «روز عرفه را قدر بدانید. در روایتی دیدم که عرفه و عرفات را بدین خاطر چنین اسمی داده‌اند که در این روز و آن مکان، موقعیتی برای اعتراف به گناه در نزد پروردگار پیش می‌آید... بین خودتان و خدا، بین خودمان و خدا، خلوت کنیم و به قصورهایمان، به تقصیرهایمان، به خطاهایمان و به گناهانمان که مایه روسیاهی ما، مایه بسته شدن پر و بال ما و مانع پرواز ماست، اعتراف نماییم و از آنها توبه کنیم. اگر فردی بخواهد اصلاح شود، باید گناه و عیب خود را بپذیرد و در پیش خود و خدا، به آن عیب و گناه اعتراف کند. کسانی که برای خودشان هیچ عیب و خطایی قائل نیستند، هرگز اصلاح نخواهند شد.»^۱

«اللَّهُ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي»

یکی از فرازهای متعالی دعای عرفه حضرت سیدالشهدا (ع) که یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی را نیز مطرح می‌نماید، این است که فرمود: «اللَّهُ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي» (خدایا! غنا، ثروتمندی، دارایی، توانگری، دولت‌مندی، بی‌نیازی مرا در جانم قرار ده!). در اینکه نکته شکی نیست که پیامبر خدا (ص) فرمودند: «توانگری به فراوانی مال و ثروت نیست، بلکه توانگری حقیقی توانگری نفس است؛ و اساساً ملاک فقر و غنا، قلب انسان است و نه چیز دیگری.» «لیس الغنی عن كثرة العرض، ولكن الغنی غنی النفس.»^۲ «إنما الغنی غنی القلب، والفقر فقر القلب.»^۳ و به فرمایش امام صادق (ع): «غناي نفس، بی‌نیازکننده‌تر از دریا است.»^۴

ریشه‌یابی غنای نفس

اما سخن اینجاست که ریشه و منشأ غنای نفس چیست؟ و به بیان ساده‌تر برای اینکه انسان احساس غنای نفس نماید، چه باید کند؟ جواب این سؤال را باید در این فراز از دعای پیامبر خدا (ص) جستجو نمود که می‌فرمایند: «اللَّهُ اغْنِنِي بِالْإِقْتَارِ إِلَيْكَ، وَ لَا تُفْقِرْنِي بِالِاسْتِغْنَاءِ عَنْكَ»^۵

خدایا! با نیازمندی به خودت مرا بی‌نیاز گردان و با بی‌نیازی از خودت مرا نیازمند مگردان؛ یعنی حقیقت غنای انسان، در افتقار الی الله و حقیقت بیچارگی و کمر شکستگی انسان، توهم استغناء از خداست. به همین جهت است که فرمودند: «الْفَقْرُ فَخْرِي وَ بِهِ أَفْتَخِرُ»^۶

تمام افتخار انسان این است که عین ربط و فقر به خداست، منظور از فقر، همین افتقار الی الله است. «افتقار الی الله» یعنی ارجاع همه نیازها به سوی خدای متعال است و این افتقار، بی‌نیازی واقعی را به دنبال دارد. این که انسان هر لحظه متوجه خدای متعال باشد و دست نیاز تنها به درگاه خدا دراز کند؛ این افتخار بندگی و ارتباط مستمر با خداوند، باعث رشد و کمال انسان می‌شود. به همین سبب افتقار الی الله، اعظم مواهب الهی است. چراکه امام صادق (ع) فرمودند: «وَلَا حِجَابَ أَظْلَمَ وَ أَوْحَشُ بَيْنَ الْعَبْدِ وَ بَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى مِنَ النَّفْسِ وَ الْهَوَى وَ لَيْسَ لِقَطْعِهِمَا وَ قَتْلِهِمَا سِلَاحٌ وَ آتَةٌ مِثْلُ الْإِفْتِقَارِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى...»^۷

ما عین فقر و عجز و ربط به حضرت حقیق: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»^۸

ظلوماً جهولاً؛ بالاترین وصف انسان در قرآن

در آیه مشهور «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أشفقن منها وَ حملَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»^۹؛ برخلاف معنای لغوی ظلوم (بسیار ستمکار) و جهول (بسیار نادان)، حضرت امام (ره) می‌فرمایند: «بعضی می‌گویند که «ظلوماً جهولاً» بالاترین وصفی است که خدا برای انسان کرده؛ «ظلوماً» که همه بت‌ها را شکسته و همه چیز را شکسته؛ «جهولاً» برای اینکه به هیچ چیز توجه ندارد و هیچ چیز را متوجه به آن نیست، غافل از همه است.»^{۱۰}



خدا!ا! غنی کسی است که با تکیه بر تو بی‌نیازی جوید و به سوی تو افتقار یابد؛ و اینجاست که انسان معنای «غناى نفس» دعای عرفه را می‌فهمد. به تعبیری، «دعای عرفه، کربلای نظری و کربلا، دعای عرفه عملی» حضرت سیدالشهدای (ع) است. امام حسین (ع)، هر چه در دعای عرفه فرمودند، در کربلا عمل کرد و در کربلا هر چه کرد، در دعای عرفه حرفش را زده بودند.

«لَا مَعْرِفَةَ إِلَّا بِعَمَلٍ»

انسان برای رسیدن به سعادت و خوشبختی حقیقی و جامع دنیوی و اخروی، باید به حقیقت این معرفت (افتقار الی الله) برسد. نه این‌که فقط این معرفت را بداند؛ بلکه باید این معرفت، در اعتقاد و عمل انسان تجلی نماید و دانایی‌اش به دارایی‌اش تبدیل شود: (لَا مَعْرِفَةَ إِلَّا بِعَمَلٍ)^{۱۳} و برای این‌که انسان به حقیقت این معرفت (افتقار الی الله) برسد، گاهی آیاتی پدید می‌آید که یادآور ضعف و احتیاج انسان به حضرت غنی بالذات باشد و زمینه رشد معنوی وی گردد و که همین نکته یکی از زوایای نگاه به پدیده شیوع کرونا است.

اجتناب از رذیله عُجْب؛ تجلی عملی غناى نفس

بالاجمال بدانیم که تجلی عملی «غناى نفس» و «افتقار الی الله»، اجتناب از رذیله «عُجْب» است. عُجْب بزرگ‌ترین تجلی و نمود ظلمات نفس است. با اینکه خودش رذیله‌ای است ولی در حقیقت اُمُّ الرذائل و اصل شجره خبیثه و مایه حیات طاغوت درونی همین عُجْب (منیت، انانیت، خودبینی، خودبزرگ‌بینی، حبّ نفس) است. مرحوم ملا احمد نراقی در معراج السعاده: «و بدان که عُجْب با وجود آنکه خود از صفات خبیثه است، منشأ آفات و صفات خبیثه دیگر می‌شود.»^{۱۴} مخصوصاً اهل علم خیلی باید متوجه این معنا باشند. اینکه گفته‌اند «العلم حجابُ الاکبر»^{۱۵}، منظور همین علم عُجْب‌آور و مَنیت‌زا است. پیامبر اعظم (ص) فرمودند: علمی که تو را به گریه نیندازد، خاشعت نکند، تو را از خودت نگیرد، وزر و وبالِت می‌شود و گرفتارت می‌کند. «مَنْ أُوتِيَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَا يُكْبِيهِ لِحَقِيقٍ أَنْ يَكُونَ قَدْ أُوتِيَ عِلْمَ مَا لَا يَنْفَعُهُ»^{۱۶}

۴

ظلوم و جهول بودن انسان، هر چند به ظاهر عیب و ملامت است، ولی همین ظلم و جهل، گویای قابلیت انسان برای حمل امانت الهی است؛ زیرا کسی که متصف به ظلم و جهل می‌شود، شأنش اتصاف به «عدل» و «عقل» و «علم» نیز هست، والا به کوه و درخت و آسمان‌ها و زمین، «ظالم» و «جاهل» نمی‌گویید، چون شأنیت اتصاف به عدالت و عقل و علم ندارند؛ بنابراین انسان به خاطر اینکه شأن و استعداد علم و عدالت را دارد، ظلوم و جهول است و قابلیت حمل امانت الهی را دارد.

ظلوم و جهول یعنی فقط انسان مستعد است برای حمل امانت الهی. از طرف دیگر، انسان به خودی خود، عین فقر و نیاز و فاقد عقل و علم و عدالت ذاتی است؛ یعنی ظلوم و جهول گویای «فقر وجودی» و «افتقار الی الله» انسان نیز هست. اقیانوس هم وسعت دارد و هم عمق، «ظلوم» و «جهول» نیز، نماد وسعت و عمق اقیانوس فقر انسان است.

از لطایف قصه قرآنی حضرت موسی (ع) این است که تا فرمود «رَبِّ اِنِّي لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ»^{۱۱}

حضرت شعیب (ع) او را فراخواند و برای مقام کلیم الهی آماده‌اش کرد. درباره ظلوم و جهول بودن انسان این نکته هم قابل توجه است که از مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی - استاد عرفان امام راحل (ره) - نقل است: ظلوم و جهول بر وزن «فعول» است و این وزن، صفت معدنی است؛ یعنی اگر شما گفتید که خداوند غفور است، یعنی معدن غفران است؛ اگر گفتید خداوند صبور است، معدن صبر است. این وزن، معدن و منبع این صفت است. اگر خداوند در این آیه می‌گوید انسان ظلوم و جهول است، یعنی انسان معدن ظلم و جهل است.

بنابراین راه رسیدن به این طلب متعالی که سیدالشهدای (ع) در دعای عرفه می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي»، همین افتقار است که حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه) در زیارت‌نامه روز عاشورا چنین می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اِنَّ الْغِنَى مِنَ اسْتَعْنَى بِكَ وَافْتَقَرَ اِلَيْكَ، وَالْفَقِيرَ مِنَ اسْتَعْنَى بِخَلْقِكَ عَنْكَ»^{۱۲}

۳

منابع

- ۱- ۱۳۷۳ / ۰۲ / ۲۸
- ۲- تحف العقول / ص ۵۷.
- ۳- میزان الحکمة / ج ۸ / ص ۵۲۱.
- ۴- غِنَى النَّفْسِ اُغْنَى مِنَ الْبَحْرِ. معانی الأخبار / ج ۱ / ص ۱۷۷.
- ۵- میزان الحکمة / ج ۹ / ص ۱۶۹.
- ۶- بحار الانوار / ج ۱۶۹ / ص ۶۹.
- ۷- بحار الانوار / ج ۱۶۷ / ص ۶۹.
- ۸- فاطر / ۱۵.
- ۹- احزاب / ۷۲.
- ۱۰- صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۵۳.
- ۱۱- قصص / ۲۴.
- ۱۲- المزار الكبير (لابن المشهدی) / ص ۵۱۲؛ بحار الانوار / ج ۹۸ / ص ۳۲۶.
- ۱۳- تحف العقول / ص ۲۹۴.
- ۱۴- معراج السعاده / ج ۱۲ / ص ۲۶۸.
- ۱۵- صحیفه امام / ج ۱۹ / ص ۱۳۴.
- ۱۶- بحار الانوار / ج ۱۷۴ / ص